

مقدمه

عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ با ادله عقلی و نقلی بسیاری پشتیبانی می‌شود که از آن جمله، آیه تطهیر است. خداوند در ضمن آیه ۳۳ سورة احزاب می‌فرماید: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ خداوند می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] دور کند و شما را به نیکی، پاک گرداند.

مفسران و محققان از گذشته تا کنون گفت‌وگوهای بسیاری درباره مراد این آیه کرده‌اند و احتمال‌های گوناگون و چه‌بسا شاذی را مطرح ساخته‌اند. پژوهشگران شیعه معتقدند که این آیه شریفه در شأن پنج تن آل کسا نازل شده است و برای اثبات این ادعا و نقد دیدگاه‌های مخالف، از دیرباز کتاب‌ها و مقالات پرشماری نگاشته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌هایی مانند **اهل بیت در آیه تطهیر**، نوشته سیدجعفر مرتضی عاملی، **آیه التطهیر، رویه مبتکره** به قلم آیت‌الله فاضل لنکرانی و کتاب مفصل و گسترده **پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر**، نوشته عبدالرحمان باقرزاده و نیز مقالاتی چون «تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت و اهل سنت با تأکید بر پاسخ‌گویی به شبهات قدیم و جدید»، نوشته ایلقار اسماعیل زاده، مقاله «اهل بیت در آیه تطهیر»، نوشته اسماعیل تاج‌بخش و مقاله «اهل بیت در آیه تطهیر کیان‌اند؟»، نوشته محمدابراهیم جناتی اشاره کرد. اینها نمونه‌ای از صدها پژوهش در زمینه آیه تطهیر است؛ اما تمایز این نوشته با دیگر آثار، تکیه بر روایات برای بازشناخت مفهوم اهل بیت در این آیه است. این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی روایات از منابع اصلی، و سپس با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از ابزارهای نقد حدیث، درصدد تبیین مصداق آیه تطهیر است. در این گفتار، پس از اشاره به مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره شأن نزول آیه تطهیر، روایات شأن نزول این جمله گزارش می‌شود. پس از آن، ضمن ارزیابی گزارش‌های تعمیم آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر، اشکال‌های آن مطرح می‌گردد. در پایان نیز مهم‌ترین روایت در زمینه تخصیص این جمله به همسران پیامبر (روایت عکرمه از ابن عباس) نقد و ارزیابی می‌شود.

۱. دیدگاه‌های مطرح درباره شأن نزول آیه تطهیر

دانشمندان و مفسران فریقین درباره شأن نزول آیه تطهیر و کیستی اهل بیت، دیدگاه‌هایی گوناگون مطرح کرده‌اند؛ از جمله آل کسا، همسران پیامبر و بنی‌هاشم (شوکانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۷۸ - ۲۸۰). با صرف نظر از نظرات شاذ، سه نظر درباره کیستی اهل بیت در آیه، بیشترین طرفدار را دارد: ۱. تنها پنج تن آل کسا؛ ۲. تنها همسران پیامبر؛ ۳. همسران پیامبر و آل کسا.

حدیث‌پژوهی آیه تطهیر

mojtabakhattat@yahoo.com

مجتبی خطاط / دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۳ - پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۷

چکیده

آیه تطهیر یکی از آیات بیانگر عصمت خاندان ویژه پیامبر است. در میان دانشمندان اسلامی، دو احتمال درباره مصداق اهل بیت در این آیه، بیشترین طرفدار را دارد: «آل کسا و همسران پیامبر» و «خصوص پنج تن آل کسا». پژوهش در آثار روایی نشان می‌دهد که روایات ناظر به خصوص پنج تن آل کسا به حد تضافر می‌رسد. خود همسران پیامبر نیز از پیامبر روایت کرده‌اند که آیه تطهیر شامل آنها نمی‌شود. همچنین پیامبر اسلام با رفتار و گفتار خود، مفهوم اهل بیت را ویژه همین پنج تن ساخته بود. در مقابل، محدود گزارش‌هایی درباره نزول این آیه درباره «همسران پیامبر» یا «همسران و آل کسا» موجود است که آثار ضعف در سند و متن آنها پدیدار است. مهم‌ترین این اسناد، روایتی منسوب به عکرمه و ابن عباس است که عدم گزارش آن در منابع دست اول روایی فریقین، ضعف سند و ویژگی‌های شخصیتی عکرمه و ابن عباس، از ادله و شواهد ساختگی بودن آن است.

کلیدواژه‌ها: آیه تطهیر، اهل بیت، آل کسا، همسران پیامبر، نقد حدیث.

در صبحگاهی، رسول الله ﷺ در حالی که بر دوش او عبایی مشکي بود، خارج شد. حسن آمد. پس او را داخل آورد. سپس حسین آمد و با او داخل شد. سپس فاطمه آمد؛ او را داخل آورد. سپس علی آمد، او را داخل آورد. آن‌گاه گفت: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) (ابن حنبل، ۱۴۲۵، ص ۱۸۳؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷، ص ۳۴).

در روایتی دیگر، گزارش شده است که از عایشه دربارهٔ امیر مؤمنان ﷺ پرسیدند. وی گفت: دربارهٔ محبوب‌ترین شخص نزد پیغمبر از من می‌پرسی؟ و از همسر محبوب‌ترین شخص نزد پیغمبر از من می‌پرسی؟ من دیدم رسول الله علی، فاطمه، حسن و حسین را زیر یک پارچه جمع کرد، سپس گفت: پروردگارا اینان خاندان و نزدیکان خاص من هستند. پس آلودگی را از آنها دور گردان و آنان را به نیکی، پاک گردان (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۴۲-۴۳).

نمونه دیگر روایات این باب، روایت زینب بنت جحش است. / اسماعیل بن عبد الله بن جعفر طیار از پدرش نقل می‌کند:

هنگامی که پیامبر دریافت که رحمت از آسمان در حال ریزش است، گفت: «کیست که بخواند کسانی را که من می‌خواهم آنها اینجا باشند؟» و این جمله را دو بار تکرار کرد. زینب گفت: «ای رسول خدا، من [آنها را فرا می‌خوانم]». پیامبر گفت: «علی، فاطمه، حسن و حسین را نزد من بیاور». حسن را در سمت راست، حسین را در سمت چپ و علی و فاطمه را جلوی نشانند: سپس پوششی از پارچهٔ خیری روی آنها کشید و فرمود: «اللهم لكل نبي أهل، وهؤلاء أهلي»؛ پروردگارا، هر پیامبری اهلی دارد و اینان اهل من هستند. آن‌گاه خداوند چنین نازل کرد: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». زینب پرسید: «ای پیامبر، آیا من همراه شما داخل نشوم؟» پیامبر فرمود: «همان‌جا بایست که همانا اگر خدا بخواهد در خیر هستی» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۴۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۴).

این دسته روایات به قدری فراوان‌اند که گاه واژه «کثیر» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸)، گاه «کثیر بی‌شمار» (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۴۴۹) و گاه «متواتر» (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰) برایشان به‌کار رفته است. طبری و سیوطی، دو مفسر معتبر اهل تسنن، روایات مربوط به نزول آیه در شأن آل کسا را با طرق گوناگون از صحابهٔ بزرگ و همسران پیامبر نقل کرده‌اند؛ از جمله از ابوسعید خدری، واثله بن اسقع، سعد بن ابی وقاص، ابو حمراء (هلال بن حارث)، ابوهریره الدوسی، انس بن مالک، عایشه و ام سلمه (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵-۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸-۱۹۹).

همچنین ترمذی دربارهٔ آیه تطهیر و تطبیق آن بر آل کسا از ام سلمه و انس بن مالک و عمر بن ابی سلمه (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۱-۳۰؛ ج ۵، ص ۳۲۸) و در زمینهٔ معرفی اهل بیت از نظر پیامبر، از سعد بن ابی وقاص (همان، ص ۲۹۳) روایت کرده است. مسلم نیز در این زمینه از صحابه و همسران پیامبر روایت دارد (نیشابوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۲۳ و ۱۳۰).

یکی از بهترین طرق راهیابی به حقیقت در این زمینه، بازخوانی روایات مرتبط با این آیه است. نظر به اینکه آیات قرآن در مناسبت‌های مختلف و متناسب با مقتضیات گوناگون نازل شده‌اند، بازگشت به گزارش‌های تاریخی و بازخوانی روایت‌های مرتبط به آیات، از جمله راه‌های دستیابی به مراد الهی از آیات قرآن است؛ به ویژه آیاتی که ناظر به افراد یا جریان‌های ویژه‌اند. بنابراین بررسی گزارش‌های روایی و بحث‌های تاریخی این آیه در عصر نزول می‌تواند قرینه‌ای بر شناخت شأن نزول آن باشد.

۲. روایات مربوط به شأن نزول آیه تطهیر

از میان سه احتمال یادشده، بیشترین روایات ناظر به احتمال اول‌اند. افزون بر پیامبر ﷺ و امیر مؤمنان ﷺ، از ابن عباس، ابوسعید خدری، انس بن مالک، سعد بن ابی وقاص، ام سلمه، عایشه، زینب بنت جحش و جمعی دیگر از صحابه، روایت شده که این آیه در شأن پنج تن آل عبا (پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ) نازل شده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵-۷؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۴۲ و ۴۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸-۱۴۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸ و ۱۹۹). راویان این شأن نزول را تا ۴۹ تن از صحابی و همسران پیامبر برشمرده‌اند (سبحانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۵۴). برای نمونه ابوجعفر طبری از اعمش، و او از عطیه، و او از ابوسعید خدری، و او از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند: «این آیه دربارهٔ پنج نفر نازل شده است: من، علی، حسن، حسین و فاطمه» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵).

آیه تطهیر محور «حدیث کسا» قرار گرفته است. این حدیث از پرسندترین روایات است که به حد تواتر می‌رسد. این حدیث در کتاب‌های معتبر روایی اهل سنت و شیعه گزارش شده است که در این زمینه می‌توان به صحاح و مسانید اهل سنت و صحاح شیعه و نیز تفسیرهای معتبر شیعه و اهل سنت اشاره کرد (برای نمونه، ر.ک: نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۱-۳۰ و ۳۲۹؛ ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۱؛ ج ۴، ص ۱۰۷ و ج ۶، ص ۲۹۲؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۴۲-۴۳؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۹۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۷).

ابوسعید خدری، انس بن مالک، سعد بن ابی وقاص، عایشه، ام سلمه و بسیاری از صحابهٔ تراز نخست این حدیث را گزارش کرده‌اند. برای نمونه طبری آن را به شانزده طریق، از ده صحابی بزرگ نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵-۷).

همسران پیامبر نیز جریان این حدیث و نزول آیه تطهیر در شأن پنج تن آل کسا را گزارش کرده‌اند. از جمله عایشه می‌گوید:

و از آن می‌گذرد. وی از *اصبح بن بابه* نقل می‌کند که عکرمه در بازار ندا سر می‌داد که این آیه درباره همسران پیامبر است و اگر کسی بخواهد، برای او این مطلب را اثبات می‌کنم (همان، ص ۷).

۳. نقد گزارش‌های تعمیم یا تخصیص آیه نسبت به همسران پیامبر

گزارش‌هایی درباره تعمیم آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر نقل شده که با چند مشکل روبه‌رویند:

۳-۱. قرار گرفتن در برابر کثرت روایات مخالف

در برابر روایات متضافر یا متواتر یادشده، گزارش‌های مربوط به تطبیق آیه تطهیر بر همسران پیامبر به ده روایت نیز نمی‌رسند که از نظر اعتبار، توانایی رویارویی با روایات دیگر را ندارند. این حقیقت به حدی آشکار است که طرف‌داران نظریه همسران پیامبر را نیز ناچار به نقل روایات مربوط به آل کسا کرده است. برای نمونه سیوطی در تفسیر روایی خود (که آن را با هدف گردآوری روایات تفسیری تدوین کرده) معتقد است که آیه تطهیر ناظر به همسران پیامبر است. او در این باره به سه گزارش استناد می‌کند، اما خود وی بیش از چهار برابر این تعداد، درباره نزول آیه تطهیر در حق خصوص خانواده امیر مؤمنان روایت می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸-۱۹۹).

این مسئله درباره خود راویان این گزارش‌ها نیز روی داده است؛ چراکه در گزارشی به ابن عباس نسبت داده شده است که آیه تطهیر درباره همسران پیامبر است؛ حال آنکه خود وی روایت کرده که این جمله در شأن آل کسا نازل شده است (همان، ص ۱۹۹؛ حسانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۰-۵۱). همین تناقض، در انتساب گزارش مربوط به همسران پیامبر، درباره روایت کلبی وجود دارد (شوکانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۷۸-۲۷۹). این نشان می‌دهد که امثال ابن عباس و کلبی از این سخنان مبرا هستند و دست ناپاک جاعلان در این روایات ساختگی هویدا است؛ آنان که چنین گزارش‌هایی را ساخته و به بزرگانی چون ابن عباس نسبت داده‌اند.

همین مسئله سبب بی‌توجهی مفسران به این گونه گزارش‌ها شده است. همان‌گونه که اشاره شد، مفسر بزرگ جهان اسلام، طبری، در برابر شمار بسیاری از روایات مربوط به آل کسا، به تک‌گزارشی اشاره می‌کند و می‌گذرد. اینها، همه، قرائن و شواهدی بر سستی و ضعف این دست روایت‌نماها هستند.

۳-۲. روایات بیانگر مفهوم «اهل البیت»

واژه «اهل البیت» به معنای «اهل و ساکنان خانه» است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۸) و تا زمان نزول آیه تطهیر، در معنای ویژه‌ای عکم نشده بود. گزارش‌های حدیثی فراوانی در کتب تفسیری و روایی اهل تسنن

سند این روایات نیز نزد بزرگان اهل تسنن صحیح و معتبر است. برای نمونه، ترمذی روایتی را از *ام سلمه* نقل می‌کند که پیامبر حسن و حسین و فاطمه و علی را زیر کسا برد و آنان را اهل بیت خود خواند و اجازه ورود به *ام سلمه* را نداد. ترمذی پس از نقل این روایت می‌نویسد: «این حدیثی حسن و صحیح است و برترین روایتی است که در این باب نقل شده است. در این باب از انس و عمر بن ابی سلمه و ابو حمرا نیز روایت وجود دارد» (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۶۱).

محدثان و مفسران شیعه نیز این شأن نزول را از طریق معتبر و صحیح نقل کرده‌اند؛ از جمله کلینی با صحیح متصل و مسند از *علی بن ابراهیم* از *محمد بن عیسی* از *یونس* و *علی بن محمد* از *سهل بن زیاد* *ابی سعید* از *محمد بن عیسی* از *یونس* از *ابن مسکان* از *ابو بصیر* از امام صادق ع روایت کرده است خداوند در کتابش فرمود: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ و پیامبر علی و حسن و حسین و فاطمه ع را زیر کسا برد و گفت: خدایا، «هر پیامبر را اهل و ثقلی است و اینان اهل بیت من و ثقل من هستند». *ام سلمه* پرسید: «آیا من از اهل تو نیستم؟» پیامبر فرمود: «تو بر خیر هستی و لکن اینان اهل و ثقل من هستند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷).

مجلسی نیز ۳۴ روایت درباره تخصیص آیه تطهیر به آل کسا، از طرق معتبر شیعه و چهار طریق معتبر نزد اهل تسنن نقل می‌کند و می‌گوید: اینها افزون بر یازده طریق معتبر دیگر نزد اهل تسنن است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۲۰۶-۲۲۷). وی در ادامه در رد ادعای نزول آیه در شأن همسران پیامبر به بیش از بیست روایت اشاره می‌کند (همان، ص ۲۲۸-۲۳۰).

افزون بر اینها، دانشمندان بزرگ اهل تسنن براساس روایات یادشده، معتقد به نزول آیه تطهیر در شأن آل کسا شده‌اند یا بدان اعتراف کرده‌اند. *ابن حجر هیثمی* می‌گوید: «اکثر مفسران بر آن‌اند که آیه تطهیر در شأن آل کسا نازل شده است» (هیثمی، ۱۹۶۵م، ص ۱۴۳). *ابن کثیر* و *فخر رازی* نیز خطاب آیه تطهیر نسبت به خصوص همسران پیامبر را رد کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۶۵؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۱۶۸). همچنین طبری در تفسیر روایی خود از *ابو سعید خدری*، *انس بن مالک*، *ابو الحمراء*، *ابو اسحاق*، *وائله بن اسقع*، *ابوهریره*، *عمر بن ابی سلمه*، *علی بن حسین* ع، *عایشه* و *ام سلمه* روایت می‌کند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، خصوص پنج تن هستند و چنین این روایات در تفسیر طبری، خود قرینه‌ای بر دیدگاه وی در این زمینه است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۵-۷).

در مقابل این کثرت و تضافر روایات، گزارش‌های معدودی درباره شمول آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر یا نزول آن در خصوص همسران پیامبر نقل شده است. طبری در تفسیرش، پس از آنکه چندین صفحه متوالی را به روایات نزول آیه در خصوص آل کسا اختصاص می‌دهد، به تک‌گزارشی اشاره می‌کند

صورت متصل آورده بوده است؛ اما بعدها نسخه‌برداران برای اختصار، سلسله را حذف و تنها عبارت معنعن را نقل کرده‌اند تا نشان دهند که این روایت سندی متصل و مسند داشته است. شاهد بر این اعتبار روایات این کتاب، اعتماد و استناد روایت بسیاری از قدا از این کتاب است؛ از جمله صدوقین (پدر و پسر)، حاکم حسکانی (صاحب *شواهد التنزیل*) و علامه مجلسی در *بحار الانوار* (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۹۹).

البته از دو نکته نباید چشم پوشید: یکی آنکه این روایت با روایات فراوان دیگر پشتیبانی می‌شود که این خود قرینه‌ای بر صحت و اعتبار این روایت است؛ دوم آنکه متن حدیث قرینه‌ای دیگر بر پذیرش یا رد حدیث است و سازگاری متن روایت با مسلمات دیگر شریعت، ملاکی برای اعتبار آن است که این روایت نیز از این ویژگی برخوردار است. افزون بر این، کلینی مضمون همین روایت را از طریقی دیگر، از امام صادق ع نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷). کلینی با سند صحیح متصل و مسند از *علی بن ابراهیم* از *محمد بن عیسی* از *یونس* و *علی بن محمد* از *سهل بن زیاد* *ابی سعید* از *محمد بن عیسی* از *یونس* از *ابن مسکان* از *ابوبصیر* از امام صادق ع روایت کرده است. راویان این سند همگی ثقه و امامی هستند و سلسله سند تا امام، متصل است.

۳-۳. روایات مانع

در بسیاری از گزارش‌های روایی، افزون بر تصریح به بازگشت اهل بیت به پنج تن آل کسا، همسران پیامبر ص از دایره این واژه خارج شده‌اند. این روایات تصریح می‌کنند که حضرت رسول در تبیین اصطلاح اهل بیت، از ورود عایشه، ام سلمه و دیگر همسران خود در زمره اهل بیت جلوگیری کرد. برای نمونه در روایتی آمده که عایشه از پیامبر پرسید: «آیا من از اهل بیت تو هستم؟» و پیامبر فرمود: «کنار بایست که تو بر خیر هستی» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۴۳). در نقل دیگری آمده است که زینب بنت جحش قصد رفتن در زیر کسای اهل بیت را داشت، اما پیامبر مانع شد و فرمود: «در جای بایست که به خواست خدا بر خیر هستی» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۳). ام سلمه نیز از پیامبر در این باره پرسید که حضرت فرمود: «در جای خودت باش و تو به خواست خدا، بر خیر هستی» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸). این دسته روایات، صحت گزارش‌های شمول آیه تطهیر نسبت به همسران پیامبر را با مشکلی جدی روبه‌رو می‌سازد و آنها را از درجه اعتبار ساقط می‌کند.

طحاولی (م ۳۲۱ ق) از علمای مشهور حنفی مذهب اهل سنت پس از نقل روایت‌های مانع می‌گوید: «این روایت‌ها نشان می‌دهند که حتی ام سلمه مراد جمله تطهیر نبوده، بلکه مراد از آن، تنها رسول خدا ص علی، فاطمه، حسن و حسین بوده‌اند» (طحاولی، ۱۳۳۳، ج ۱، ص ۳۳۶).

و شیعه درباره مفهوم «اهل البیت» نقل شده‌اند که نشان می‌دهند مراد از اهل بیت، خصوص خانواده امیر مؤمنان است. بر اساس این روایات، پیامبر ماه‌ها، هنگام گذر از کنار خانه حضرت فاطمه ع آنها را با واژه اهل البیت خطاب می‌کرد. *ابوحمره* می‌گوید:

در زمان پیامبر، به مدت شش ماه نگهبان شهر بودم و در این مدت می‌دیدم که پیامبر هنگام طلوع فجر، در خانه علی و فاطمه می‌آمد و می‌فرمود: «الصلوة الصلوة یرحمکم الله، اِنَّمَا یریدُ الله لِیذهبَ عَنْکُمُ الرِّجْسُ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً، شما را به نماز سفارش می‌کنم؛ خداوند شما را در سایه رحمت خویش قرار دهد؛ همانا خداوند می‌خواهد آلودگی را از شما اهل بیت دور کند و شما را به نیکی، پاک گرداند (طحاولی، ۱۳۳۳، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۳۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۹۸).

بی‌تردید پیامبر هرگز این رفتار ویژه را بیهوده انجام نمی‌داد، بلکه در پی شناساندن اهل بیت خود بود. بنابراین اهل بیت، خصوص همین مخاطبان پیامبر (اهل خانه حضرت علی و فاطمه ع) بود و نه دیگران؛ چراکه پیامبر نفرمود که اینان جزو اهل بیت هستند، بلکه آنان را همان اهل بیت خود معرفی کرد. همچنین براساس گزارش‌های روایی بسیاری، حضرت رسول بر تک‌تک نام‌های اهل بیت خود تصریح کرده است. برای نمونه در جریان مباحله، حضرت رسول ص علی و فاطمه و حسن و حسین را با نام فرا خواند و فرمود: «اینان اهل من هستند» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۲۱؛ ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۵؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۹۴؛ ج ۵، ص ۳۰۲؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۰؛ بیهقی، بی‌تا، ج ۷، ص ۶۳). این روایت نیز با بیانی که گذشت بر حصر اهل بیت در خانواده حضرت فاطمه دلالت دارد.

این اهتمام ویژه پیامبر در معرفی اهل بیت خود، دغدغه ایشان برای ثبوت و تأکید و رسوخ این اصطلاح در میان مسلمانان را می‌رساند. حضرت رسول با پیگیری مستمر این شیوه، قصد ابهام‌زدایی از این مسئله را داشت تا مسلمانان در این باره دچار تردید نشوند. امام صادق ع می‌فرماید:

اگر رسول الله ص سکوت می‌کرد و اهل خود را مشخص نمی‌ساخت، آل عباس و آل عقیل و بسیاری دیگر آن را ادعا می‌کردند. لیک خداوند در کتابش جمله «اِنَّمَا یریدُ الله لِیذهبَ عَنْکُمُ...» را نازل کرد و علی، حسن، حسین و فاطمه مرجع این آیه بودند. از این رو رسول خدا ص در خانه ام سلمه، دست آنان را گرفت و زیر کسا برد و گفت: پروردگارا، هر نبی را ثقل و اهلی است و اینان ثقل و اهل من هستند (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۰-۱۱۱).

این روایت در *تفسیر فرات کوفی* گزارش شده که سند آن، به صورت معنعن از امام صادق ع روایت شده است؛ اما در این سند، راویان به صورت تک‌تک ذکر نشده‌اند که این خللی به سند این روایت وارد نمی‌سازد. توضیح آنکه در بخش آغازین *تفسیر فرات کوفی*، سلسله سند روایات به صورت متصل آمده، اما در ادامه و از حدیث چهل به بعد، برای اختصار، سلسله سند حذف شده و به عبارت «معنعنا عن...» بسنده شده است. این نشان می‌دهد که نخست *فرات کوفی* سلسله سند این روایات را به

در این زمینه به همین استدلال (زندگی در خانه پیامبر) بسنده شده است. نیز عروقه بن زبیر بی هیچ مستند روایی، گفته که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، همسران پیامبر است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۶۰۳). این ادعاهای بی مستند چیزی جز اجتهاد در برابر نص صریح پیامبر نیستند و از این رو استنباطها و ادعاهایی بی اساس و اعتمادناپذیرند؛ زیرا پیامبر ﷺ به صراحت می فرماید: «آیه تطهیر در شأن پنج نفر نازل شد: من، علی، حسن، حسین و فاطمه» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۵). بی تردید، با وجود نص پیامبر، اجتهادهای یادشده ارزشی ندارند.

این سخن پیامبر از طرق گوناگون نقل شده است؛ از جمله ابن جریر آن را از محمد بن مثنی از بکر بن یحیی بن زبان عنری از مناد از اعمش از عطیه از ابوسعید خدری نقل می کند. برخی از اهل سنت این حدیث را حدیثی منفرد از عطیه شمرده اند و وی را نیز تضعیف کرده اند (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱، ص ۳۸، پاورقی ۷۳۱)؛ این در حالی است که عطیه از تابعان شناخته شده است (ذهبی، بی تا، ج ۳، ص ۷۹-۸۰). ابن حجر می گوید: «او فردی ثقة است و احادیثی قابل استناد دارد». ابن معین می گوید: «احادیث او درست اند» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۷، ج ۷، ص ۲۰۱). سیوطی می گوید: «حدیث او سست نیست و ترمذی روایت او را نیکو شمرده است» (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۷۲). با وجود این، ابن حجر می گوید که برخی احادیث او را حجت نمی دانند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۷، ج ۷، ص ۲۰۱). سرّ رویکرد برخی اهل سنت نسبت به او نیز در تشیع او نهفته است. ساجی می گوید: «حدیث او حجیت ندارد و فرد قابل اعتمادی نیست؛ او علی را بر همه ترجیح می داد» (همان، ص ۲۰۲). شواهد نشان می دهد منشأ ضعیف شمردن او نزد برخی، تشیع اوست و چنین تضعیفی ارزشی ندارد. از این رو روایت یادشده دارای اعتبار سندی است. از سویی این حدیث تنها از طریق عطیه نقل نشده، بلکه چنان که پیش از این گذشت، این حدیث و روایات هم مضمون آن، از طرق مختلف اهل تسنن و تشیع نقل شده اند.

نمونه دیگر از تصریحات پیامبر بر نام یکایک اهل بیت خود، روایتی است که ترمذی نقل می کند. وی از حاتم بن اسماعیل از بکر بن مسمار از عامر بن سعد از سعد بن ابی وقاص نقل می کند که پیامبر پس از نزول آیه «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ» (آل عمران: ۶۱) علی و فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند و گفت: «خدا یا، اینان اهل من هستند» (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۹۳-۲۹۴). روایان این حدیث همگی نزد اهل تسنن ثقة و معتبرند. حاتم بن اسماعیل فردی درست نگار و ثقة است. احمد بن حنبل می گوید: «روایات او درست و وی فردی ثقة و مورد اطمینان است» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۷، ج ۲، ص ۱۱۰). بکر بن مسمار نیز جزو ثقات شمرده شده است (عجلی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۵۴). عامر بن سعد و پدرش، سعد بن ابی وقاص نیز در کتب رجال، ثقة معرفی شده اند (ابن حجر عسقلانی،

روایات مانع را صاحبان صحاح و مسانید و بزرگان اهل تسنن، به صورت متضافر و از چندین طریق، گزارش کرده اند؛ از جمله احمد بن حنبل (بی تا، ج ۶، ص ۲۹۲ و ۳۰۴) که آن را از چهار طریق نقل می کند. همچنین اند ترمذی (۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۰ و ۳۲)، ابویعلی (۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۴۵۱)، طبری (۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۷)، حسکانی (۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۶-۱۰۰-۱۳۰)، واحدی نیشابوری (۱۴۱۱، ص ۳۶۹)، ابن عساکر (۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۲۰۴-۲۰۷؛ ج ۱۴، ص ۱۴۱-۱۳۸). این روایات نیز به طرق گوناگونی گزارش شده اند. برای نمونه روایت ام سلمه از هشت طریق معتبر نزد اهل سنت و شیعه نقل شده است (ری شهری، ۱۳۷۵، ص ۲۷-۳۳).

افزون بر این، سند این روایات نیز نزد اهل تسنن معتبر و صحیح شمرده می شوند. برای نمونه حاکم نیشابوری در *موسوعة المستدرک*، پس از نقل حدیث ام سلمه می گوید: «این حدیث بنا بر شرط بخاری، صحیح می باشد» (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۶).

۴. بررسی مصداقی روایات مربوط به همسران پیامبر

در برابر روایات انبوه مربوط به پنج تن آل کسا، تک گزارش هایی درباره نزول آیه تطهیر درخصوص همسران پیامبر نقل شده است. ابن عباس، عکرمه، سعید بن جبیر، مقاتل بن سلیمان، عروقه بن زبیر و کلبی روایانی هستند که این گزارش به آنان نسبت داده شده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸؛ شوکانی، بی تا، ج ۴، ص ۲۷۸؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۸۹). این گزارش ها بر دو دسته اند: سخنان اجتهادی و گزارش روایی. آنچه به کلبی، مقاتل بن سلیمان و عروقه بن زبیر نسبت داده شده، صرف اجتهادهایی اند که هیچ گونه پشتوانه ای از حیث مستند روایی ندارند. از طرفی، این سه راوی در زمرة تابعان شمرده می شوند. مقاتل بن سلیمان متوفای ۱۵۰ قمری است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۷، ج ۱۰، ص ۲۸۴). عروقه بن زبیر در طبقه دوم روات قرار دارد و در سال پایانی خلافت عثمان به دنیا آمد (شمس الدین ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۶۲). کلبی نیز در زمرة مفسران پس از دوره تابعان است و در سال ۲۰۴ وفات یافت (قمی، ۱۹۷۰م، ج ۳، ص ۱۱۹).

بنابراین هیچ یک از سه راوی یادشده نمی توانند شاهد نزول باشند و سخنان آنان در این باره می بایست مستندی همراه داشته باشد. این در حالی است که سخنان منسوب به این سه راوی، مستندی پذیرفتنی ندارد. برای نمونه از مقاتل بن سلیمان چنین نقل شده است: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ يَا أَهْلَ الْآلِيَّتِ، یعنی نساء النبی ﷺ لأنهن فی بیهة»؛ منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، خصوص همسران پیامبر است؛ زیرا آنان در خانه پیامبر زندگی می کردند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۸۹).

۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۴۶۰؛ همو، ۱۳۲۷، ج ۱، ص ۳۴۶). براین اساس روایت یادشده روایتی حسن و صحیح است؛ چنان‌که ترمذی به صحت آن تصریح کرده است (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۹۴). به علاوه این روایت در کتب معتبر روایی و تفسیری اهل تسنن به صورت متضافر نقل شده است؛ از جمله در صحیح مسلم (ج ۱، ص ۱۸۵؛ ج ۷، ص ۱۲۰)، المستدرک (ج ۳، ص ۱۴۷ و ۱۵۰) سنن بیهقی (ج ۷، ص ۶۳)، شواهد التنزیل (ج ۲، ص ۳۸-۴۷) و تاریخ مدینه دمشق (ج ۱۴، ص ۱۴۷). کثرت نقل این روایت در کتب روایی معتبر، جایی برای تردید در صحت آن باقی نمی‌گذارد.

سخن اجتهادی منسوب به کلبی درباره شأن نزول آیه تطهیر را نیز به همین دلیل صراحت پیامبر در معرفی اهل بیت نمی‌توان پذیرفت. همچنین وی (که از خواص امام صادق^ع بود) خود درباره نزول جمله تطهیر در شأن پنج تن آل کسا روایت کرده است (شوکانی، بی تا، ج ۴، ص ۲۷۹). چگونه می‌توان پذیرفت که یک راوی خبر دو گونه سخن بگوید و با وجود نقل روایت درباره آل کسا، خود سخنی متعارض با آن بگوید؟ از این رو به طور قطع سخن اجتهادی منسوب به کلبی (با توجه به مقام و مکان وی نزد امام صادق^ع) بر وی بسته شده است.

گزارش منسوب به سعید بن جبیر هم از ابن عباس نقل شده است و خود سعید بن جبیر شأن مستقلی در این باب ندارد. از این رو روایت او و ابن عباس به یک روایت باز می‌گردد. بنابراین از گزارش‌های یادشده، تنها گزارش منسوب به ابن عباس و عکرمه باقی ماند که مهم‌ترین مستند مخالفان در تفسیر جمله تطهیر قرار گرفته است. از این رو این گزارش جای بررسی و تأمل بیشتری دارد.

به ابن عباس چنین نسبت داده شده است که جمله تطهیر، در خصوص همسران پیامبر نازل شده است و بس. از عکرمه نیز نقل شده است که در بازار فریاد می‌زد که «أَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» درباره همسران پیامبر نازل شده است. همچنین می‌گفت: «هر کس بخواهد، در این باره با او مباحله می‌کنم» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸).

این روایات‌نماها در برابر چند پرسش و نکته اساسی قرار دارند که در صورت پاسخ‌گویی به آنها، می‌توان اینها را پذیرفت؛ وگرنه باید طرد شوند:

۱. همان‌گونه که یاد شد، ابن عباس درباره نزول جمله تطهیر در شأن پنج تن آل کسا روایت کرده است و این روایت در کتب فریقین گزارش شده است (برای نمونه ر.ک: حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۱-۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۳۵). در یکی از روایات، یحیی بن حماد از ابو عوانه از یحیی بن سلیم ابی بلج از عمرو بن میمون از ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا حسن و حسین و علی و فاطمه را فرا خواند و بر آنها پارچه‌ای کشید و گفت: «خدا یا اینان اهل بیت من هستند» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۰).

سند این روایت نزد اهل تسنن معتبر است و تک تک راویان آن را ثقة شمرده‌اند. یحیی بن حماد ثقة است و بیشترین روایت را از ابو عوانه دارد (عجلی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۵۱). احادیث ابو عوانه بهترین احادیث شمرده شده‌اند (مزی، ۱۹۸۵م، ج ۳۰، ص ۴۴۶). یحیی بن سلیم ابی بلج دارای احادیث درست و بی‌اشکال است. ابو حاتم درباره او می‌گوید: «وی دارای احادیث صحیح می‌باشد و اشکالی در روایاتش نیست» (رازی، ۱۹۵۲م، ج ۹، ص ۱۵۳). عمرو بن میمون کوفی و تابعی نیز ثقة است (عجلی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۸۶). سلسله این راویان نیز متصل است؛ یعنی میان طبقات راویان فاصله زمانی‌ای که موجب انقطاع سند شود، وجود ندارد. یحیی بن حماد متوفای ۲۱۵ق (ابی حاتم، ۱۹۷۳م، ج ۹، ص ۲۵۷) ابو عوانه متوفای ۱۷۶ق (همان، ج ۷، ص ۵۶۳) و یحیی بن سلیم ابی بلج در طبقات راویان، حلقه واسط میان طبقه ابو عوانه و عمرو بن میمون است؛ به گونه‌ای که ابو عوانه به طور مستقیم از یحیی بن سلیم، و یحیی بن سلیم به گونه مستقیم از عمرو بن میمون روایت نقل کرده‌اند (مزی، ۱۹۸۵م، ج ۳۳، ص ۱۶۳). عمرو بن میمون نیز متوفای ۷۵ق است (شمس الدین ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۶۵) و می‌توانسته به طور مستقیم از ابن عباس متوفای ۶۸ق (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۳۱) روایت کند. بنابراین با سند قطعی و صحیح از ابن عباس نقل شده که آیه تطهیر در شأن آل کسا نازل شده است. حاکم نیشابوری این مطلب را از ابن عباس در روایتی طولانی و با همین اسناد گزارش می‌کند و در پایان آن می‌نویسد: «این روایتی صحیح‌الاسناد است» (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۴).

آیا می‌توان پذیرفت که یک صحابی بزرگ دو گونه روایت متعارض داشته باشد؟ آیا پذیرفتنی است که ابن عباس بر خلاف نص پیامبر و بسیاری از صحابه جلیل‌القدر و نیز روایت خودش، به گونه‌ای دیگر نیز روایت کند؟ آیا هیچ انسان خردمندی چون ابن عباس چنین رفتار می‌کند؟

۲. تک گزارش‌های یادشده توان تعارض و رویارویی با انبوه روایات مربوط به پنج تن آل کسا را - که فریقین نقل کرده‌اند - ندارد؛ چنان‌که گذشت؛

۳. گزارش منسوب به عکرمه با این پرسش بنیادین روبه‌روست که چرا وی در بازار چنین جار می‌زده است؟ آیا جای استدلال و اثبات یک مسئله قرآنی، در بازار، آن هم به شیوه جار زدن است؛ مگر آنکه منطق استدلالی جاعل حدیث چنین باشد. به علاوه این گزارش نشان از دیدگاه غالب در میان مسلمانان (نزول آیه در شأن پنج تن) دارد که برای تغییر آن نیاز به چنین روش‌هایی بوده است؛

۴. گزارش عکرمه از نظر سندی نیز مخدوش است. طبری این روایت را از یحیی بن واضح از اصبع بن نباته از علقمه از عکرمه نقل کرده است. اولاً یحیی بن واضح فردی ضعیف است (ذهبی، بی تا، ج ۴، ص ۴۱۳)؛ ثانیاً سلسله سند مقطوع است؛ زیرا اصبع بن نباته از طبقه سوم

(ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۸۱) و یحیی بن واضح از طبقه نهم روات است (همان، ج ۲، ص ۳۵۹) و انقطاع زمانی بسیاری میان آنها وجود دارد؛

۵. مشکل بنیادین دیگر گزارش عکرمه و ابن عباس این است که در هیچ یک از صحاح شش گانه و منابع دست اول اهل سنت نقل نشده است. روایت ساختگی منسوب به عکرمه برای نخستین بار در تفسیر طبری نقل شده و پیش از آن در هیچ یک از جوامع معتبر روایی و تفسیری اهل تسنن، اثری از آن نیست. این در حالی است که روایات ناظر به خطاب جمله تطهیر نسبت به پنج تن آل کسا در بسیاری از کتب معتبر و تراز نخست اهل تسنن آمده است؛ از جمله در صحیح مسلم (ج ۲، ص ۱۳۰-۱۳۱)؛ سنن ترمذی (ج ۵، ص ۳۰، ۳۱، ۳۲۹) و مسند احمد (ج ۱، ص ۳۳۱؛ ج ۴، ص ۱۰۷؛ ج ۶، ص ۲۹۲).

اینها همه قرائنی بر ساختگی بودن روایات نماهای یادشده اند. اساساً چنین سخنی از ابن عباس در برابر روایات ۴۹ صحابی و همسران پیامبر، بعید می نماید. چرا باید وی روایتی را نقل کند که برخلاف گفتار جمهور صحابه و بزرگان تراز نخست است؟ درباره عکرمه نیز برخی درصدد آن برآمده اند که وی را دشمن اهل بیت جلوه داده، او را تضعیف کنند (عاملی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸؛ سبحانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۴۳). به نظر می رسد این داوری درباره عکرمه جای درنگ بیشتری داشته باشد؛ چراکه وی دانش آموخته و از خواص ابن عباس بود. امکان ندارد ابن عباس، که از شیفتگان مقام ولایت بود، شاگردی پیروانند که درست در خلاف خط او حرکت کند و این جرئت را به خود بدهد که روایتی برخلاف روایت امیر مؤمنان، ابن عباس و همه صحابه و همسران پیامبر بسازد (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). همچنین بنابر گزارش های تاریخی، عکرمه سرسپرده آستان امام باقر ع شمرده می شد. امام باقر ع هنگامی که شنید عکرمه لحظات پایانی عمرش را می گذراند، بر بالین وی شتافت (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۲۳) که این نشان از جایگاه والای او نزد امام دارد. چنان که اشاره شد در این روایت آمده است که عکرمه سرسپرده آستان امام باقر ع بود و همین مؤید آن است که وی از اصحاب خاص امام بود. یکی از شواهد بر این مدعا، آن است که والی مدینه در پی عکرمه بود و او پنهان شده بود (ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۲۹۳)، ولی امام باقر ع و یاران خاص وی جای او را می دانستند که این دلیلی بر آن است که وی از نزدیکان مورد اعتماد حضرت بوده است. البته در همین روایت، غلامی که خبر را آورد، می گوید: عکرمه معتقد به دیدگاه های خوارج بود و چه بسا، از این تعبیر، انحراف عکرمه برداشت شده است. این برداشت نارواست؛ چراکه اولاً این سخن را امام نفرموده است، بلکه غلام می گوید و آن هم به سبب شایعات رایج در آن زمان بوده است؛ زیرا کینه ورزان علیه عکرمه شایع کرده بودند که او گرایش به خوارج دارد. این تهمت به سبب سفرهای مختلف او به شمال آفریقا بود که خوارج در آن دیار، فراوان بودند (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲۷).

این تهمت را نیز بسیاری از دانشمندان رجال رد کرده اند و با اعتماد به روایات وی، او را تقه شمرده اند. از جمله عجل می نویسد: «عکرمه مولی ابن عباس، مکی تابعی تقه است و از تهمت حروری (گروهی از خوارج) مبراست» (عجلی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۴۵)؛ ثانیاً چگونه می توان پذیرفت که شخصی جزو منحرفان خوارج باشد و در عین حال، سرسپرده آستان امام باقر ع به گونه ای که امام بر بالین وی بشتابد؟! بنابراین ادعای غلام را نمی توان پذیرفت؛ به ویژه با توجه به تصریح روایت به سرسپردگی او به امام و رفتار امام هنگام شنیدن خبر احتضار وی. همچنین در همین روایت آمده که امام برای تلقین شهادت به توحید و ولایت بر بالین وی شتافته است و می فرماید: «تلقین را به اموات خود بیاموزید». این تصریح امام نشان می دهد که عکرمه را از خود می دانسته است نه تابع آرای دیگران؛ و گرنه سخن پایانی امام با کردار ایشان تناسبی نداشت (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۳۲).

بنابراین غرض ورزان، روایاتی در باب نزول آیه تطهیر در شأن خصوص همسران پیامبر ساخته اند و آنها را به کسانی چون ابن عباس و عکرمه نسبت داده اند. شاید اشتباهشان همین باشد که چنین دروغی را از زبان شیفتگان مولا امیر مؤمنان نقل کنند تا سخنشان، خود، شاهی بر کذبشان باشد.

نتیجه گیری

بنابر روایات شأن نزول، جمله تطهیر در شأن خاندان ویژه پیامبر نازل شده است: علی، فاطمه، حسن و حسین ع. در این میان، محدود گزارش هایی درباره نزول این جمله در شأن خصوص همسران پیامبر یا فراگیری جمله تطهیر نسبت به همسران پیامبر نقل شده است که این گزارش ها توان رویارویی با روایت کثیر و متضافر منقول از صحابه تراز نخست و نیز همسران پیامبر را ندارند. از دیگر سو، بنابر گزارش های روایی، پیامبر واژه «اهل بیت» را برای خصوص این خاندان ویژه علم کرده بود. نیز خود همسران پیامبر گزارش کرده اند که به فرمایش پیامبر، آنها از دایره شمول جمله تطهیر خارج اند. مهم ترین گزارش درباره نزول جمله تطهیر در خصوص همسران پیامبر، گزارش ابن عباس و عکرمه است که برای نخستین بار در تفسیر طبری کانون توجه قرار گرفته است. این گزارش در هیچ یک از منابع دست اول معتبر روایی و تفسیری متقدم اهل تسنن نقل نشده است؛ افزون بر اینکه سند این گزارش نیز مخدوش است. از دیگر سو روایات معتبر و مستند فراوانی در کتب روایی فریقین درباره نزول جمله تطهیر در شأن پنج تن آل کسا آمده است. همچنین خود ابن عباس این شأن نزول را روایت کرده است. این قرائن و نیز شخصیت و جایگاه ابن عباس و عکرمه، نشان دهنده ساختگی بودن گزارش های مربوط به همسران پیامبر هستند.

منابع

آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۳ق، *الذریعة الى تصانیف الشيعة*، بیروت، دار الاضواء.

ابن بطریق، ۱۴۰۷ق، *العمدہ*، قم، جامعه مدرسین.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۲۷ق، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دار صادر.

—، ۱۹۹۵م، *تقریب التهذیب*، چ دوم، بیروت، دار المکتبه العلمیه.

—، ۱۹۹۵م، ب، *الاصابه*، بیروت، دار الکتب اللبنانیه.

ابن حنبل، احمد، ۱۴۲۵ق، *فضائل الصحابه*، تهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.

—، بی تا، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر.

ابن سعد، بی تا، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر.

ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دار الفکر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ق، *تفسیر ابن کثیر*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.

ابی حاتم، محمد بن حبان، ۱۹۷۳م، *الثقات*، هند، مؤسسه الکتب الثقافیه.

بیهقی، ابوبکر احمد، بی تا، *سنن بیهقی*، بیروت، دار الفکر.

ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۰۳ق، *سنن ترمذی*، چ سوم، بیروت، دار الفکر.

ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، *تفسیر ثعلبی*، تحقیق ابی محمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، بی تا، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار المعرفه.

حسکانی، عبیدالله بن احمد، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد

اسلامی.

حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، ۱۴۰۹ق، *تأویل الآیات الظاهره*، قم، جامعه مدرسین.

ذهبی، ابو عبدالله، بی تا، *میزان الاعتدال*، بیروت، دار المعرفه.

رازی، ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲م، *الجرح و التعذیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

رازی، فخر الدین، ۱۴۲۰ق، *تفسیر کبیر*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ری شهری، محمد، ۱۳۷۵، *اهل البيت فی الکتاب والسنة*، چ دوم، قم، دار الحدیث.

سبحانی، جعفر، بی تا، *مفاهیم القرآن*، نرم افزار کتابخانه اهل بیت علیهم السلام.

سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، *الدرر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

—، ۱۴۲۱ق، *الاتقان*، چ دوم، بیروت، دار الکتب العربی.

شمس الدین ذهبی، ابو عبدالله، بی تا، *تذکره الحفاظ*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

شوکانی، محمد بن علی، بی تا، *فتح القدر*، بیروت، عالم الکتب.

طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.

طحاوی، ابو جعفر، ۱۳۳۳ق، *مشکل الآثار*، هند، مجلس دائرة المعارف النظامیه.

عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۸۶، *اهل بیت در آیه تطهیر*، چ چهارم، قم، بوستان کتاب.

عجلی، احمد بن عبدالله، ۱۴۰۵ق، *معرفه الثقات*، مدینه منوره، مکتبه الدار.

قمی، عباس، ۱۹۷۰م، *الکنى و الالقاب*، نجف، المطبعة الحیدریه.

قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، چ چهارم، قم، دار الکتب.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *اصول کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

—، ۱۳۶۷، *فروع کافی*، چ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات کوفی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.

مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مزی، ابوالحجاج، ۱۹۸۵م، *تهذیب الکمال*، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الرساله.

معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۵، *تفسیر و مفسران*، چ دوم، قم، تمهید.

—، ۱۳۸۸، *پرتو ولایت*، چ دوم، قم، تمهید.

مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

موصلی، ابویعلی، ۱۴۰۸ق، *مسند ابی یعلی*، دمشق، دار المامون للتراث.

نیشابوری، مسلم بن حجاج، بی تا، *صحیح مسلم*، بیروت، دار الفکر.

واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۱ق، *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

هیثمی، احمد بن حجر، ۱۹۶۵م، *الصواعق المحرقة*، چ دوم، مصر، مکتبه قاهره.